

کلیپ شهر دار، صحن شورای شهر کرج را به سکوت کشاند

خاکای زاده - در دیستوسی و دومین جلسه شورای اسلامی شهر کرج، روز سشنبه نهم دی ماه، بخش کلیبی از یخشی از وعدههای شهردار در صحن عالی شوره فضای جلسه را برای ذقایتی در سکوتی معادار قروید.

وقافلمه منعمی: عضو شورای شهر کرج، با نمایش دیوبویی از وعدههای عملی شده شهردار، حاشیاهی متفاوت و این جلسه داد حاشیاهی که با سکوت و چهرهای متفکر اعضای شورا همراه شد این وعده شورا در تلق پیش از دستور جدول کلیبی از وعدههای شهردار به شهردان محله نوروز آباد (همه شیخ آباد، حصار و جله محمدشهر) را به نمایش گذاشت و معایناتی که به گفته او و اهالی محل، با وجود مراجمات و مکاتبات مکرر، همچنان به حاله ارج را رسیده است.

منعمی با مجموعه‌ای از پرسش‌های پیاپی در ذهن حاضران به پایان رسید.

فرمان چرایبی عملی‌شدن این وعده مشخص، اطلاعات رسمی و صریحی که دقیقاً به وضعیت اسفالت نوروزآباد بپردازد در دسترس نیست؛ این حال، بر اساس گزارش‌های عمومی منتشرشده درباره وضعیت اسفالت در کرج، می‌توان به چند عامل مؤثر اشاره کرد؛ کمبود و فرسایش قیمت برآورد اسفالت در سال‌های اخیر، رهااژ سوزی شهرشماری کرج به‌عنوان یکی از منابع اصلی اجرای گسترده نهضت اسفالت مطرح شده و همین موضوع به ناپدیدشدن معابر پرتردد در برابر محلات حاشیه‌ای انجامیده است.

از سوی دیگر، پراکندگی معابر آسیمیده در سطح شهر و محدودیت بودجه مناطق، موجب می‌شود برخی محلات از جمله نوروزآباد در صف طولانی پروژه‌ها جای بمانند حتی در مواردی که وعده‌هایی در سطح محلی داده شده است. هم‌زمان، گزارش‌هایی درباره نظارت ناکافی بر اجرای اسفالت و کیفیت مطلوب برخی روش‌ها مطرح شده که به دوباره‌کاری، اتلاف منابع و پیش‌افتان سایر پروژه‌ها منجر شده است. این موضوع بیش‌تر نیز در

صحن علی شورا مورد انتقاد قرار گرفته بود؛ به‌ویژه در مواردی که معیار اعتبار اسفالت‌شده، مجدداً برش خورده‌اند. همچنین بارها از سوی شورا و رسانه‌ها به مسئله اولویت‌گذاری ناسازگار در بهسازی معابر اشاره شده است؛ به این معنا که مرکز شهر و مسیرهای اصلی، زودتر از محلات کبیرخورد در فهرست اجرای جراحی قرار می‌گیرند در کنار این موارد، برخی اعضای شورا به نقش پیمانکاران در دفع‌غیر در روند تولید و توزیع اسفالت اشاره کرده‌اند. موضوعی که به گفته آنان می‌تواند بر سرعت و جهت اجرای پروژه‌های گسترده حفری‌های و گار، و خاک‌ریزها از دیگر دست‌اندرکاران مانند آب و فاضلاب و معابر نیز از دیگر عواملی است که بارهای معنوی عمل تخریب اسفالت و تعویق در اجرای روکش نهایی مطرح شده است. در مجموع، همزمانی کمبود منابع، اولویت‌گذاری ناسازگار، ضعف نظارت بر پیمانکاران و حفاری‌های مکرر، موجب شده وعده سریع شهرشد به ادعای نوروزیاد همچنان در صف پروژه‌های اسفالت شهر باقی‌بماند.

نکته قابل توجه در محتوای بخش‌شد، جمله‌ای است که می‌گوید: «بیگیری کنید اسفالت با این

حاج آقا در کومه‌ها پخش شود؛ چهار تا کامیون، سه تا واضی را من قبول ندارم» پخش این پخش از نخست‌واکنش آشکاری در جلسه به همراه نداشت و توضیح شخصی‌تری از سوی شهردار در صحن عینی ارائه نشد.

از آنجا که منبع رسمی و برخطی برای توضیح جزئیات این وعده در دسترس نیست و به‌اینجه مکتوب شخصی از سوی شهردار کرج درباره اسفالت‌نوروزآباد منتشر نشده، نمی‌توان با قطعیت درباره علت دقیق تأخیر در اجرای آن اظهار نظر کرد. هرچند در برخی گزارش‌ها از آغاز یا بدو عملیات بهسازی در بخش‌هایی از شهر خبر داده شده، اما این موارد لزوماً باعث مستقیم به وعده مطرح‌شده درباره نوروزآباد محسوب نمی‌شود.

آنچه تاکنون از سوی مدیریت شهری کرج بیشتر دیده شده، ارائه امار کلی نهضت اسفالت و ترازآبرده شده در سطح شهر است. در حالی که برای محلاتی مانند نوروزآباد هنوز گزارش تفصیلی شامل زمان‌بندی، بودجه و درصد پیشرفت پروژه منتشر نشده است. موضوعی که همچنان به‌عنوان یکی از مطالبه‌های مطرح در افکار عمومی و صحن شورایانی مانده است.



گذشته سرزمینی شگفت انگیز است؛
نمی توانید در آن زندگی کنید، اما
می توانید از آن بازدید کنید

رابط استرن

بسیاری از مردم کارهای مرا دوست دارند، چرا که این آثار یک پایشان در گذشته است و مگر گذشته چه ایرادی دارد؟ گذشته سرزمین شگفت انگیز دیگری است؛ نمی توانید در آن زندگی کنید، اما می توانید از آن بازدید کنید.

میس می گفت که معمار صبح دوشنبه نیست؛ منظورش معمارانی بود که با هر پروژه جدید ادبای کلانوارا از صفر شروع می کنند. در گذشته زندگی نمی کنی، معمار کمال را فراموش می کنی. می توانم توابع حدس بزنی که آینده چه چیزی برایتان رقم خواهد زد، همان طور که هیچ کدام از ما نمی توانیم که همین حال را در ساختمان هستند، نمی توانیم. آن ها می توانند حدس بزنند اما بعد است که حدسشان درست می آید یا نه. برای مثال، چه کسی فکرش را می کرد که دلدن از باربرهای برای مسالطه شد؟

من مدرنیست هستم، اما اسپیر یک دکترین محدود مدرنیسم
نیستم. من به عقب می‌روم تا به جلوبروم. (در گفت‌وگوی منتشر
شده در مجله‌ی **Paprika**؛ ش ۲۶، سال ۲۰۱۶)

منبع: گفتار

روایتی از پروژہ "قصہ صلح کودکان ایران؛"
 صلح، نه به عنوان مفهوم؛ به عنوان تجربه کودکان

فلسفه برای کودکان (فیک) یا محور صلح، چند جلسه قصه‌نویسی و چند جلسه تصویرسازی، مسیری تدریجی به هر قشره و شتابان به هر خروژی می‌رسد، فقط یک مصلحت نیست. هر آنچه کودک تولید می‌کند از آن تمثالی نهایی به تیرم بریزد سرده می‌شود و هر کتاب نهایی جای می‌گیرد کتبی که دو بخش دارد و بخش دوم، نخست، بخش شناخت و فعالیت نظری است؛ جایی که توضیح داده می‌شود هر عنصر از چرا، آمده، چه ریشه‌ای در آن استان دارد و چرا انتخاب شده. دوم قصه‌ها و روایت‌هایی که خواننده می‌فهمد این جغرافیا، تصادفی نیست بلکه از دل جغرافیا، فرهنگ و رستخود هر استان، بیرون آمده‌اند.

وعم شد؟

انصارین با اشاره به اینکه تمام اعضای پروژه از جان و دل به صلح معتقدند می‌گویند: این قصد، از دل یک جمع کوچک اما مبدل شروع شد؛ جمعی از آدمهایی که سال‌هاست دروغ و کودک و صلح را با خودشان حمل می‌کنند. پروژه نه با دستور العمل آثاری جاو می‌رود و نه با بودجه‌های سنگین؛ با مشارکت آدمهایی پیش می‌رود که هر کدام، تکه‌ای از مسیر را بلند می‌کنند. در مطالعات نظری یکی در رسانه، یکی در قصه‌نویسی، یکی در نشر و یکی در اجرا. موزه صلح کنار این مسیر ایستاده نه به عنوان متولی، بلکه به عنوان همراهی معنوی که به قصد اعتماد کرده است»

به گفته مجری طرح، قصه از سی و یکم شهریور ۱۴۰۴، روز جهانی صلح کالبد خوردن یا به عبارت دیگر، روز هجیان روزگزار، کار شب یک سال کامل نفس بکشد، رشد کند، زمین بخورد، اصلاح شود و دوباره راه بندد. مقصد روشن است: تاسی و یکم شهریور ۱۴۰۵، اولین کتاب منتشر شود. کتابی که قصه‌های حدود ده استان ایران را کنار هم می‌نشاند، قصه‌هایی که از دل طبیعت و فرهنگ هر منطقه بیرون آمده‌اند و با زبان کودکانه صلح حرف می‌زنند.



استون گیوان پور- قصه از یک سؤال ساده شروع شد: «اگر صلح را قرار باشد از تو تعریف کنیم، چرا از صلح کودکها شروع نکنیم؟»

پس «قصه‌های صلح کودکان ایران» همین‌جا شکل گرفت: طرحی که به موزه صلح تهران پیشنهاد شد و قرار نبود شبیه پروژه‌های معمول باشد. نه یک کتاب نمایشی، نه یک کار نمایشی خودتلفذ، قرار بود بچه‌ها، ایران‌های مختلف ایران، خوششان صدقه باشند یا نه، بیکدیگر چیزهایی که هر یک از رفته‌ها داشته معجزات طبیعی، استثنای زندگی، آیین‌ها، موجودات بومی، خاطرات عام جمع...

رو گفت و گوهایی که با رز انصاریون، ایده پرداز مجری طرح داشتیم، یک نکته مدام تکرار می شد: «صاح، وقتی معنا پیدا می کند که کودک بتواند با جهان اطرافش رابطه بسازد» برای رسیدن به این جبهه، موسیر کوکوب انتخاب شد. هیچگاه قرار نبود صرفاً فوئیسوناید اول یاد می گرفتند فکر کنند، سؤال بپرستند، عنصر را بسازند و بعد آن را به شخصیت تبدیل کنند. به همین خاطر، شرکت کنندهار در دوره های تابان، اینجا، شریک کردند چند جلسه

تهران و البرز: اولین همراهان صلح انصار یون توضیح می‌دهد که "در این مسیر و البرز زودتر از بقیه وارد میدان شدند. شعار (آرام آرام) شکل گرفتند، قدم‌ها جلن گرفتند. این دو استان، پیش قراول مسیری هستند است استان‌های دیگر هم یکی یکی به آن شونده مسیری که عجله ندارد اما جهت بیشتر از آنکه به مقصد فکر کند، به خود مانده است."

در تهران: قصه از دل نشانه‌هایی شروع شد که برای همه آشناست اما این بار نه به عنوان نمادهای تکرار شده، بلکه به عنوان شخصیت‌هایی زنده «لاله قرمز» وارد قصه شد «دوده و سوگ» نقش میلچی را گرفت و آیین «چهارشنبه‌سوری» از یک رسم قدیمی، تبدیل شد به موجودی روایت‌گر که صلح را به زبان خودش تعریف می‌کرد.

در البرز، قضا عوض شد. طبیعت جلو آمد و شهر کمی عقب نشست. «درخت هورس» ریشه دوانده، «عقاب طلایی» از آسمان پایین آمد و زیست طبیعی استان شد محور قصه‌ها. این جدا، صلح بیشتر شبیه همزیستی بود؛ تعادلی میان زمین، آسمان و انسان.

اسفهان: دارای نهادهای خاص برای صلح
 صلح صلح بعد از تهران و الزیر، راضی را به
 اسفهان باز کرد جایی که ایران فقط یک
 شخصیت متولد شد، صلح خود کاملاً به نفس
 کشید در روایت‌های کودکان اسفهان، «غزال
 ایرانی» با همان آهو، شخصیت اصلی شده
 مجوسی ظریف و هوشیار که صلح را با احتیاط
 شروع و امید به حمله کند اما او تنها نبود
 زاینده‌نود، میدان نقش جهان و سی‌وسهیل از
 پارسه پرتنه بیرون آمده و به شخصیت‌های
 زنده باز شدند کنار هم که حرف می‌زنند
 حافظه دارند و بر رفتار آهو اثر می‌گذارند در این
 قصه، صلح فقط میان آدمها شکل نمی‌گیرد
 صلح جانور، شهر و خطرناکی صلح نرینی
 پیدا کند، هم‌زمان با تثبیت اسفهان، پروژه



آماده ورود به فصل تازه‌ای شد؛ فصل آغاز مسیر در شیراز و سیستان و بلوچستان، استان‌هایی که هر کدام با اقلیم، زیست‌بوم و قصه‌های منحصر بفرد خود قرار است روایت صلح را از نوای دیگر ادامه بدهند.

قصه صلح به استان‌های دیگر می‌رسد
اتصلاتی می‌گویند: «استان‌های دیگر هم
ارام‌ارام در مسیر اضافه شدن به قطار صلح
هستند». خبر از سیستان و بلوچستان، بندرعباس،
مازندران، کرمان، تبریز و... هر کدام با زمان‌بندی
خودشان، با هیچ‌چیز خوشدلی و با قصه‌ای که قرار
نیست شبیه به استان دیگری باشد. یعنی بعد از
پیش از غید وارد مسیر می‌شوند، بعضی بعد از
آن این پروژه مجامعی برای شبیه‌سازی ندارد،
هر استان باید قصه‌اش را از دل خودش بیرون
بکشد.

«قصه‌های صلح کودکان ایران» قرار نیست نسخه بدهد یا جواب نهایی ارائه کند. این پروژه بیشتر شبیه یک دعوت است؛ دعوت به شنیدن، شنیدن از ایران از زاویه‌ای که کمتر به آن گوش داده‌ایم؛ از نگاه کودکانی که هنوز بلند صلح ارائه توضیح ندهنده، نه تحلیل کننده؛ بلکه زندگی‌اش کنند.

محیط زیست

آلودگی هوای شهرهای بزرگ
تا پایان هفته

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع
هوا از افزایش تدریجی غلظت آلاینده‌ها در شهرهای پرجمعیت
و صنعتی خبر داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، صادق ضیاییان اظهار کرد: بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری امروز و فردا دوشنبه (۱۴ و ۱۵ دی‌ماه) در مناطق شرق و جنوب شرق ورزش باد و گاهش نسبی دما و در نیمه غربی کشور و سواحل دریای خزر، جوی آرام و پایدار همراه با روند افزایش نسبی دما انتظار می‌رود. همچنین امروز فردا در خلیج فارس و سواحل جنوبی (۱۶ دی‌ماه) دمای

معادن نیز می‌تواند وجود خواهد داشت. این ادمه داد: سسختینه در شرق و جنوب شرق کشور در بعضی مساحت افزایش شش پاد پیش‌بینی می‌شود و در ارتفاعات فارس و کرمان از افزایش پیر انتظار می‌رود. چهارشش (۱۷) (دهه) در ارتفاعات آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل، افزایش پیر و باد و در ارتفاعات افزایش پیر و رنگبار پرکنده پیش‌بینی می‌شود. همچنین (۱۸) (دهه) شرایط جوی در بیشتر مناطق (آرام و پایدار خواهد بود. ضایعات از تغییرات جوی و غلظت آلوده‌های هوا خبر داد و اظهار کرد که یک‌سهم از نیاز هفت، غلظت آلوده‌های صنعتی و شهرهای صنعتی و پرجمعیت به‌طور تدریجی افزایش خواهد یافت. رئیس مرکز ملی وضعیت جوی و مدیریت بحران مخاطرات گفت: هوا در حال دیراز و وضعیت جوی تهران طی دو روز آید. انتظار دارد آسمان تهران فردا (۱۵) (دهه) صاف همراه با غبار محلی با حداقل دمای ۲ و حداکثر دمای ۱۰ درجه سانتیگراد و طی سسختینه (۱۶) (دهه) صاف تا کمی پری گاهی و پیر باد و تدریج غبار محلی با حداقل دمای ۲ و حداکثر ۱۰ درجه

ضیائی‌ان در پایان گفت: فردا و پس فردا (۱۵ و ۱۶ دی‌ماه) بندرعباس با دماهای ۲۶ و ۲۵ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد با دماهای ۱۳ و ۱۲- درجه سانتیگراد سردترین مراکز استان کشور محسوب می‌شوند. صحت پیش‌بینی هواشناسی در بازه ۸۰ درصد است.

اهدای خون، اهدای زندگی